

۴۴۴

نامه دکتر مصدق در جواب نامه اعضای هیأت اجرائی و اعضاء هیأت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی

احمدآباد - ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

خدمت حضرات آقایان محترم اعضاء هیأت اجرائی و اعضاء هیأت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی [۱]

نامه مورخ ۲ اردیبهشت عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. همه می‌دانند که اکثریت آقایان محترم سالهای سال مؤسس حزب بوده‌اید و در امور اجتماعی اطلاعاتی بیش از این جانب دارید. چنانچه این جانب مختصر اطلاعاتی هم داشتم در این مدت که عنقریب یازده سال خواهد رسید آن را از دست داده‌ام چونکه غیر از افراد خانواده با کسی حق ملاقات ندارم و از این قلعه هم که زندان من است حق خروج ندارم با این حال موقع تشکیل کنگره که تقاضا فرمودید پیامی تقدیم کنم اطاعت کردم و در آن پیام عرض نمودم دربهای جبهه را باید بروی احزاب و اجتماعات و دستجات باز گذاشت تا جبهه بتواند در انجام نظریات خود توفیق حاصل نماید و هیچ نظری به حزب توده نبود که آن را پیراهن عثمان کرده و در این نامه اسم برده‌اید. حزب توده همان حزبی است که در سال اول ملی شدن صنعت نفت با کمال شدت مخالفت می‌کرد ولی چون نظریاتش مورد پسند جامعه نبود و خریدار نداشت از این کار دست کشید و در حال مخالفت باقی ماند و مقصود این جانب از آن پیام این بود که جبهه تشکیل شود از احزاب و اجتماعات و دستجاتی که حاضر بودند در راه آزادی همه چیز خود را فدا کنند که در این گروه دانشجویان فوق آنها بودند چونکه تحصیل کرده و در سیاست آلوده نشده بودند. این احزاب و اجتماعات و دستجات با اینکه نه شورای حزبی داشتند و نه کنگره با کمال نظم و انضباط می‌آمدند اظهارات خود را می‌کردند و متفرق می‌شدند. با اینحال دانشجویان با آن همه فداکاری مورد توجه جبهه ملی واقع نشدند و چه تحقیقی از آن بالاتر که نگذاشتید نماینده خود را در جبهه خودشان انتخاب کنند و جبهه ملی ولایتاً از طرف آنها دو نفر دانشجو انتخاب کرد؟ و این همان انتخاباتی است که دولت از افرادی بنام ملت ایران برای نمایندگی می‌کند. اگر آقایان محترم با انتخابات مجلس موافقید چرا جبهه ملی تأسیس کرده‌اید؟ و چنانچه مخالفید چرا رویه و رسم دولت را از دست نداده و در انتخابات احزاب و دانشجویان که آنها خود می‌بایست عمل کنند دخالت فرموده‌اید؟ بطور خلاصه همانطور که دولتهای وقت برای ملت وکیل تراشیده‌اند، جبهه ملی هم برای احزاب و اجتماعات و دستجات از این کار خودداری نکرده‌است.

در صفحه ۵ مرقومه اظهار فرموده‌اید: «احزاب ملی در اروپا و امریکا دارای تشکیلات قابل توجهی نیستند و علاقمندان نهضت در آن سرزمینها اگر می‌خواستند به تشکیلات حزبی اکتفا

کنند معنای این اقدام آن می‌شد که از هر تجمع و تشکلی محروم بمانند. در این صورت این مبارزات وسیع و این سازمانها نمی‌توانست بوجود آید و در صورتیکه معتقد شویم شورای جبهه ملی فقط از نمایندگان احزاب تشکیل شود معلوم نیست با این ترتیب وضع تشکیلات جبهه در اروپا و امریکا که احزاب دارای تشکیلاتی نیستند بچه صورتی درخواهد آمد جز اینکه سازمان و مبارزه قریب بیست هزار نفر از ایرانیان و طنخواه در یک دایره کوچکی محدود و کاملاً بی‌اثر شود حاصل دیگری برای آن قابل تصور نخواهد بود.» بنده از این دلسوزی که نسبت به دانشجویان فرموده‌اید تشکر و عرض می‌کنم اگر که یک سازمان بزرگ بدون سازمانهای کوچک می‌توانست به مرام و مقصود خود برسد هیچ‌یک از احزاب بخود این زحمت را نمی‌دادند شعب تشکیل کنند و سازمان مرکزی هرچه لازم بود می‌کرد و باز در همان صفحه مرقوم فرموده‌اید: «ارتباط شورا و هیأت اجرائی با سازمانهای خارج از ایران بطور دائم و منظم میسر نبوده و نیست و ارسال دستورالعمل و رهبری ممکن نبود و نمی‌باشد.» در این صورت لازم است افراد اروپائی را از ارشاد خود معاف بفرمائید و آنها را بخدای متعال بسپارید. چنانچه تصمیمی غیر از این اتخاذ شود باین معنی خواهد بود که در ایران که احزاب آزادی ندارند بفرض که تشکیلاتی هم داشته باشند مضر نیست ولی در اروپا که افراد آزادند و می‌توانند جمعیت و دستجاتی تشکیل دهند و در امور وطن عزیز با هم بشور و مشورت بپردازند برای مملکت ضرر دارد و نباید پیرامون چنین کاری بروند و طبق این نظریه بعضی از احزاب را در اروپا منحل کردند که این جانب در بیست فروردین در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران شرحی نوشتم و مضرات این تصمیم را اعلام کردم.

در صفحه یک نامه محترم راجع به شرکت احزاب در تصمیمات جبهه ملی چنین مرقوم شده: «علاوه بر اعضاء احزاب که از طریق سازمانهای جبهه ملی در کنگره شرکت جسته بودند هر یک از احزاب نیز بطور جداگانه و بصورت رسمی نماینده‌ای از طرف خود به کنگره اعزام داشته بود» بدیهی است نتیجه این بود که نمایندگان حقیقی احزاب در شورای جبهه نباشند و هر دو سال یک مرتبه اگر کنگره تشکیل شد نظریات خود را بگویند و در کنگره دفن نمایند.

در آخر صفحه ۳ بعد از ذکر محاسنی که از تشکیلات موجود شده مرقوم فرموده‌اید: «ما معتقدیم که فقدان چنین تشکیلاتی سبب شد که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حکومت ملی آن جناب (بیچاره آنجناب) و نهضت مقدس ما نتواند در مقابل توطئه مقاومت نماید» در صورتی که وقایع ۲۸ مرداد توطئه نبود و یک کودتائی بود که دول خواهان امتیاز نفت به دست عمال خود در ایران ترتیب دادند و بمقصود رسیدند چنانچه حضرات آقایان معتقدید که جبهه ملی اگر بشکل امروز وجود داشت در آن روز می‌توانست از آن توطئه جلوگیری کند، چه شد که در توقیف و زندانی شدن اعضای احزاب مهم، جبهه اقدامی ننمود و آقایان مدتی زیاد در توقیف‌گاه بسر بردند؟ مگر اینکه بگوییم: جبهه ملی عمل دولت را برای محبوبیت خود لازم می‌دانست و به تشکیلات

دستوری برای استخلاص اعضاء جبهه صادر نکرد. در صفحه اول نامه باز چنین مرقوم شده: «در دی ماه ۱۳۴۱ که کنگره مذکور با حضور ۱۷۰ نماینده تشکیل گردید. در این عده جمعی عضو احزاب و جمعیت‌های ملی (حزب ایران - حزب مردم ایران - حزب ملت ایران - و جمعیت نهضت آزادی) و بقیه افرادی بودند که در احزاب عضویت نداشتند و مستقلاً در سازمانها و تشکیلات جبهه ملی شرکت کرده بودند» ولی از یک حزب دیگر بنام حزب سوسیالیست اسم نبرده‌اید و علت عدم شرکت این حزب را در جبهه ملی معلوم نفرموده‌اید.

از نمایندگان احزاب و دستجات مقصود اینست که رأیی که در شورای جبهه می‌دهند موکلینشان بموقع اجرا گذارند. اگر موکل این افراد خود جبهه باشد این جبهه ملی نیست و از آن انتظار هیچ عمل مؤثری نباید داشت.

در صفحه ۳ باز مرقوم فرموده‌اید: «کنگره اصل عضویت نهضت آزادی ایران را در جبهه مورد تصویب قرار داد تنها مقرر داشت که جمعیت مذکور بعضی از عناصر غیر صالح خود را مورد تصفیه قرار دهد و گزارش آن را به شورای مرکزی جبهه ملی ایران تسلیم دارد» بعد در ماده ۳۱ اساسنامه اینطور نوشته شده: «هریک از احزاب عضو جبهه ملی باید اساسنامه و صورت اسامی اعضاء و خلاصه سوابق فعالیت خود را به دبیرخانه جبهه ملی تسلیم دارد و تعهد کند که فعالیت‌های سیاسی خود را با اصول مرام‌های جبهه ملی منطبق سازد و انضباط دقیق و پیروی از جبهه ملی را در حدود اساسنامه و تصمیمات متخذه شورای مرکزی جبهه ملی رعایت نماید.» و بعد تبصره ذیل هم باین ماده اضافه شده است: «تبصره اول - مدارک مزبور مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ و مکتوم خواهد ماند» که لازم است عرض کنم این اشخاص باید بسیار مردمان ساده‌ای باشند که مدارک خود را با بودن چند نفر از مابهران که عضو شورا هستند در اختیار جبهه ملی بگذارند کما اینکه هیچ یک از اعضاء شورا که منفردند و در هیچ حزبی نیستند هرگز جرأت نمی‌کنند بواسطه حضور «از مابهران» نظریات صحیح خود را اظهار کنند و یک زندگی مثل زندگی آن جناب بیچاره پیدا کنند.

با این حال اگر حاضر شوید که در اساسنامه تجدید نظر کنید و یک جبهه ملی مورد موافقت افکار عمومی تشکیل دهید شورای جبهه می‌تواند از این آقایان در رأی مخفی استفاده نماید. در خاتمه عرض می‌کند برای پیشرفت امور هیچ راهی برای الحاق مخالفین بهتر از تجدید اساسنامه نیست. و با الحاق مخالفین جبهه می‌تواند کم و زیاد طبق نظریات جامعه عمل کند. این جانب نمی‌خواستم اعتراض خود را کتباً تقدیم کنم نظر باینکه راجع به تجدید اساسنامه که بوسیله حامل مرقومه عرض شده جوابی نرسید لازم دانست نظریات خود را کتباً عرض کند تا چنانچه مورد موافقت قرار گرفت هرچه زودتر وسائل تنظیم یک اساسنامه صحیح را فراهم فرمایند.

ارادتمند همه - دکتر محمد مصدق

منبع: کتاب نامه‌های دکتر مصدق - گرد آورنده: محمد ترکمان، نشر هزاران، چاپ دوم: ۱۳۷۵

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیست‌های ایران در روز شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۸۹ - ۵ مارس ۲۰۱۱
مصادف با چهل و چهارمین روز درگذشت دکتر محمد مصدق رهبر فقید نهضت ملی ایران و بنیانگذار جبهه ملی ایران